

بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب‌شناسی - رهنموده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۱۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۳/۲۵

علی اکبر تقوایی* - مهدی بهرام پور** - مهنوش شاهین راد***

چکیده

همزمان با وقوع حوادث و سوانح گوناگون در مناطق شهری و روستایی کشور تلاش‌های زیادی در چند دهه اخیر از سوی مسئولین و مدیران در جهت بازسازی و مقاوم‌سازی این مسکن انجام گردیده است. در این بین فارغ از کیفیت این تلاش‌ها که خود فرصت و مجال دیگری می‌طلبد، از موضوع مسکن روستایی کمتر صحبت به میان آمده است. متأسفانه به طور کلی با مسائل روستایی برخورد بنیادی و عمیقی نمی‌شود و موضوعات مختلف مربوط به آن بسیار سطحی و ابتدایی در نظر گرفته می‌شوند. نکته‌ای که در بررسی روند بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه مشاهده می‌گردد این است که متأسفانه به اصول و معیارهای معماری بومی و سنتی و نیازهای کالبدی منتج از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، معیشتی و اقتصادی مردم آن روستا توجه کافی نشده است و مسکن ساخته شده از نیازهای زندگی روزمره روستائینان فاصله گرفته‌اند. چنانکه باید در نظر داشت که زندگی روستایی و به تناسب، بستر کالبدی آن، نظام پیچیده‌ای است که حتی در روستاهای نزدیک به هم ممکن است تفاوت‌های بسیاری داشته باشد. به این ترتیب باید به این سطح از آگاهی برسیم که تنها با شناخت صحیح و کامل از مسائل روستایی و پیچیدگی‌های ناشی از به هم پیوستگی نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، معیشتی، محیطی و کالبدی در یک مجموعه کامل است که می‌توان به برنامه‌ریزی فیزیکی یک روستا و واحدهای سکونت آن پرداخت.

برای قرن‌ها، ایران صحنه وقوع سوانح طبیعی (زلزله، سیل، زمین‌لغزه و ...) بوده است. در این میان، زلزله متداول‌ترین و مخرب‌ترین سانحه طبیعی است که به این کشور ضربه می‌زند. از سوی دیگر سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نطفه اصلی نظام سکونتگاهی کشور، بخش قابل توجهی از مراکز سکونتگاهی را تشکیل می‌دهند و بدلیل محدودیت‌های اقتصادی، شرایط آب و هوایی، کمبود برخی مصالح و عدم توجه به مسائل فنی، در برابر حوادث به ویژه زلزله آسیب‌پذیرتر می‌باشند. با توجه به موارد مذکور، نگرشی همه جانبه برای شناخت این سکونتگاه‌های انسانی ضروری است تا در شرایط وقوع بحران و سانحه و پس از آن بتوان شرایطی را فراهم نمود که پاسخگوی نیازهای زندگی روستائینان باشد. به این ترتیب، در این نوشتار ابتدا به شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی پرداخته می‌شود تا عوامل مادی و معنوی مهم در به وجود آمدن شکل کلی الگوی مسکن تعیین شود، سپس ضمن شناخت عوامل متأثر از وقوع سانحه، رهنمودهایی برای پروژه‌های بازسازی پس از سانحه^۱ با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار پیشنهاد می‌گردد. تحلیل موضوع فوق در این نوشتار بیانگر این موضوع می‌باشد که توجه به معماری بومی و سنتی هر منطقه و حتی هر روستا ضمن بررسی و در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کالبد سکونتگاه‌های روستایی می‌تواند منجر به خلق فضایی با کیفیت و متناسب با نیازهای زندگی روستائینان در چارچوب عوامل فوق گردد.

واژگان کلیدی:

مسکن روستایی، معماری بومی و سنتی روستایی، بازسازی، سانحه

E- mail: taghvaea@modares.ac.ir

E-mail: bahrampor@modares.ac.ir

E-mail: shahinrad.m@gmail.com

* استادیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری

*** کارشناسی ارشد طراحی شهری

مقدمه

برای قرن‌ها، ایران صحنه وقوع سوانح طبیعی (زلزله، سیل، زمین‌لغزه و ...) بوده است. در این میان، زلزله‌ها، متداول‌ترین و مخرب‌ترین سانحه طبیعی است که به این کشور ضربه می‌زند. «به طور مثال، طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ این سرزمین جزو شش کشوری قرار داشته است که دچار بیشترین تلفات انسانی ناشی از وقوع زمین لرزه‌ها بوده است» (آیسان، دیویس، ۱۳۸۵: ۹). در بین سکونت‌گاه‌های انسانی (شهری و روستایی)، مناطق روستایی در برابر حوادث به ویژه زلزله آسیب‌پذیرتر می‌باشند. استفاده از شیوه‌های سنتی ساخت و ساز با مصالح بومی بدون در نظر گرفتن مسائل فنی یکی از دلایل آسیب‌پذیری خانه‌های روستایی است. علاوه بر این، محدودیت‌های اقتصادی، شرایط آب و هوایی و کمبود برخی مصالح، مردم را به ساخت بناهایی با کیفیت پایین مجبور می‌کنند. بررسی‌ها در تجربیات گذشته کشور در امر بازسازی^۱ مسکن پس از سانحه^۲ در مناطق روستایی نشانگر آن است که این خانه‌ها پاسخگوی تمام نیازهای استفاده‌کنندگان آنها نبوده است. به طوری که ساکنان، پس از مدتی زندگی در خانه‌های ساخته شده، تغییراتی در سازماندهی فضایی و عملکرد فضاها اعمال کرده و یا بخش‌هایی را مطابق با نیازهایشان به ساختمان اضافه کرده‌اند. حتی در بسیاری موارد دیده شده است که روستائیان، خانه‌های ساخته شده را رها کرده و مجدداً خانه‌ای با مصالح بومی متناسب با نیازها و شیوه زندگی‌شان، برای خود بنا کرده‌اند. به این ترتیب نتیجه‌ای که می‌توان از این تجربیات بدست آورد این است که طراحان و برنامه‌ریزان باید معماری بومی و سنتی روستایی و عوامل تأثیرگذار بر آن را به خوبی بشناسند و با توجه به اختلالات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و روانی ناشی از سوانح، بهترین راه حل را برای بازتوانی^۳ و بهبود شرایط زیست جامعه آسیب دیده، به کار گیرند.

تصویر ۱: روستای ماسوله بخشی از طبیعت بلافصل آن

۱. سکونتگاه روستایی



«مسکن عمده‌ترین عنصر تشکیل دهنده بافت‌های روستایی است، سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنرهای حاکم بر جامعه روستایی است» (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴). تفاوت شیوه زندگی شهری و روستایی بر شکل‌گیری، جانمایی و ملزومات فضایی خانه‌ها تأثیر می‌گذارد. «معماری روستایی و بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و با زندگی روزمره آنهاست. وقتی اقدام به مشاهده و مطالعه این بناها می‌شود، به نظر ساده و ابتدایی می‌رسند ولی واقع امر این است که این بناها توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و همه ظرفیتشان را برای ساختن آنها به کار گرفته‌اند و از تمامی روابط موجود بین خودشان در ساختن آنها استفاده کرده‌اند» (زرگر، ۱۳۸۶: ۹).

به این ترتیب در طراحی مسکن برای مناطق روستایی، شناخت و درک درست عوامل مادی و معنوی مهم آن در به وجود آمدن شکل کلی الگوی مسکن ضروری است. عوامل مؤثر بر معماری سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان در سه گروه کلی در نظر گرفت:

الف) عوامل فیزیکی

ب) عوامل اجتماعی - فرهنگی

ج) عوامل اقتصادی

۱-۱- عوامل فیزیکی

این عوامل، شامل مواردی چون سایت، شرایط آب و هوایی و مصالح در دسترس (فراوانی یا کمبود مصالح خاص برای ساخت و ساز) می‌شود.

۱-۱-۱- سایت: یکی از عوامل مهمی است که سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهد. ساختمان‌ها در مناطق روستایی، قطعات مجزا و منفک از یکدیگر و اطرافشان نیستند بلکه می‌توان آنها را قسمتی از محیط بلافضلشان بشمار آورد. به بیانی دیگر می‌توان گفت، آنها در طبیعت اطرافشان بی‌انتهاستند و این ویژگی آنها را از فرم بسته طرح‌های شهری متمایز می‌سازد (تصویر ۱). در سکونتگاه روستایی، یک تصویر کامل و متناسب هیچگاه با در نظر گرفتن یک ساختمان منفرد و مجزا حاصل نمی‌شود (همان: ۶۹).

۱-۱-۲- آب و هوا: یکی از ویژگی‌های اساسی معماری در سکونتگاه‌های روستایی و به طور کلی در معماری سنتی، سازگاری آنها با شرایط آب و هوایی است. از آنجا که یکی از دلمشغولی‌های اولیه انسان داشتن جان پناه و سرپناه است، شرایط آب و هوایی عاملی تعیین کننده در شکل کلی مسکن دارد. متغیرهایی که معماری و عناصر آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند، عبارتند از:

تصویر ۲: خانه‌هایی در دل کوه‌های سنگی، روستای کندوان



- باد
- میزان نزولات جوی
- تابش و نور خورشید^۵

۱-۱-۳- مصالح در دسترس: «بهره‌برداری هوشمندانه اهالی از مواد و مصالح موجود در دسترس، تلاش برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از آنها برای برآورد نیازهای ساختمانی‌شان است. اساس اندیشه این روستائیان کاهش هزینه‌های مربوط به ساختمان و پرهیز از حمل و نقل بی‌جا و استفاده از مصالح غیربومی و افزایش قابلیت‌ها و دوام مصالح بومی برای ساختمان‌سازی و ایجاد سرپناه برای خانواده و فضاهای مناسب برای محصولات و عوامل تولیدی است» (همان: ۱۶۳). به این ترتیب اینگونه مصالح، به حداقل تعمیر و نگهداری نیاز داشته و مقاومت و پایداری آنها علاوه بر تاب‌آوردن در تنش‌های آب و هوایی^۶، به ارتقاء کیفیت بصری آنها نیز کمک می‌کند (تصویر ۲).

۱-۲- عوامل اجتماعی- فرهنگی

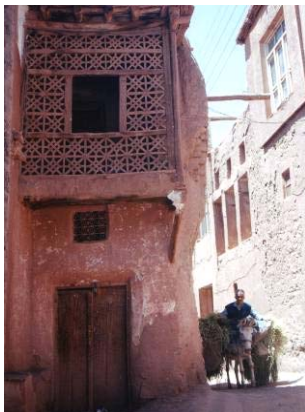
ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی و شیوه زندگی ساکنان تأثیر ژرفی بر طراحی واحد مسکونی و سکونتگاه دارد. عوامل اجتماعی- فرهنگی که سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهند، در چهار گروه کلی قابل توصیف هستند: ساختار و اندازه خانواده، امنیت، عرصه‌ها^۷ و مذهب.

۱-۲-۱- ساختار خانواده: «از دیگر نکات مهمی که به لحاظ اجتماعی در ساختار فضایی روستا منعکس می‌شود، ساختار خانواده است» (همان: ۱۴۹). دو نوع ساختار خانواده در زندگی ساکنان، قابل تشخیص است؛ برخی خانوارها به صورت هسته‌ای زندگی می‌کنند، بدین معنی که فرزندان پس از ازدواج، از خانواده جدا شده و در مسکن دیگری سکنی می‌گزینند. در حالت دیگر، که ساختار خانواده ترکیب گسترده‌ای دارد، فرزندان پس از ازدواج نیز در جمع خانواده باقی می‌مانند. در این شرایط، برخی فضاهای خانه به صورت عمومی و مشترک و برخی از فضاها به صورت اختصاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب، ساختار خانواده، ملزومات کیفی و اندازه خانواده ملزومات کمی مانند تعداد اتاق‌ها و یا اندازه خانه را مشخص می‌کند. به طور مثال، در حالتی که بیش از یک خانواده در یک سکونتگاه روستایی زندگی می‌کنند، اتاق‌ها به گونه‌ای سازمان داده می‌شوند که هر یک از آنها ویژگی‌های یک خانه مستقل قابل استفاده برای خانواده‌ای مستقل را دارا باشند و بخشی از فضاهای خانه مانند تنورخانه، حیاط و ... به صورت مشترک استفاده می‌شوند.

۱-۲-۲- تأمین امنیت: با توجه به مطالعات گسترده آبراهام مازلو^۸، نیازهای انسانی به دو گروه نیازهای اساسی یا اولیه و نیازهای برتر قابل تقسیم بوده و در یک نظام سلسله مراتبی از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین قرار می‌گیرند. در سلسله

مراتب نیازها، نیاز به ایمنی و امنیت، در گروه نیازهای اولیه و پس از نیازهای جسمانی (نیاز به آب و غذا و ...) در اولویت قرار دارد (مطلبی، ۱۳۸۵: ۵۷).

تصویر ۳: تعریف عرصه‌ها و محرمیت‌ها، روستای ایبانه



۱-۲-۳- عرصه‌ها: تقسیم‌بندی فضاها در محیط زندگی تمام جوامع، به صورت‌های مختلف دیده می‌شود. عرصه‌بندی فضایی، به نوعی رفتارها و قراردادهای اجتماعی مردم هستند که تجسم کالبدی یافته‌اند و در طراحی سکونتگاه‌ها توجه بسیار زیادی به خود می‌طلبند (تصویر ۳). علاوه بر الگوهای رفتاری و قراردادهای اجتماعی، عامل مذهب نیز یکی از عوامل مهم تأثیرگذار است به طوریکه «در بحث عرصه‌ها، مسأله محرمیت، به طور خاص، بیشتر ریشه دینی دارد» (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

۱-۲-۴- مذهب: مذهب یک عامل اساسی مؤثر بر مجموعه‌های روستایی را به شمار می‌رود. این عامل بر شکل، طرح، سازماندهی فضایی و جهت‌گیری خانه تأثیر می‌گذارد. «در مواردی جهت خانه رو به قبله قرار می‌گیرد به ترتیبی که نمازگزار در موقع برگزاری نماز در راستای محور ساختمان و مثلاً رو به حیاط یا در امتداد محور اتاق قرار می‌گیرد» (همان: ۱۱۷).

۱-۳- عوامل اقتصادی

برخلاف واحدهای مسکونی در مناطق شهری، که مکانی برای زندگی روزمره ساکنان ارائه می‌دهد، برنامه‌ریزی برای این ساختمان‌ها در مناطق روستایی، تحت تأثیر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان است. به طوری که می‌توان گفت، «هر خانه روستایی اولاً یک واحد خودکفا است و ثانیاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با نوع معیشت دارد لذا برای امور مربوط به تولید، توزیع و مصرف، فضاهای متعددی را طلب می‌کند» (همان: ۱۰۴).

به این ترتیب، عوامل اقتصادی نه تنها بر کیفیت ساخت و مصالح به کار گرفته شده تأثیر می‌گذارند، بلکه سازماندهی فضایی و نوع فضاهای مورد نیاز را نیز تعیین می‌کنند «عوامل اقتصادی روستا را، در رابطه با فضای کالبدی روستا، در سه گروه مطرح کرد:

الف- نوع فعالیت یا فعالیت‌های تولیدی^۱ (نوع محصولات: فروش بلافاصله بعد از برداشت، انبار کردن محصول و فضاهای مربوط به آن).

ب- ابزار تولید (سنتی، نیمه مکانیزه، مکانیزه کامل و فضاهای مربوط به آن).

ج- میزان درآمد با قدرت سرمایه‌گذاری در بخش مسکن» (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

از سویی دیگر، خانه روستایی به سادگی به گونه‌ای ساخته می‌شود که خواص اساسی یک خانه را در صرفه‌جویانه‌ترین روش ممکن جابگو باشد. در این مناطق تأثیر صرفه‌جویی به معنی جلوگیری از هدر رفتن را می‌توان در مصالحی که به کار گرفته می‌شود، به خوبی ملاحظه نمود. به طوریکه مصالح ساختمانی از محیط اطراف انتخاب می‌شوند و به این ترتیب هزینه انتقال کاهش یافته و همواره در دسترس هستند.

البته بررسی سیر تحول معماری روستایی ایران، نشانگر آن است که متأسفانه امروزه «بر اثر ارتباط بیشتر روستائیان با شهر، شیوه‌ها و مصالح رایج در شهر تا اندازه‌ای بر ساختار و شکل مسکن روستایی تأثیر می‌گذارد. جایگزین شدن آجر به جای خشت برای ساخت دیوار، رایج شدن عایق رطوبتی (قیصر و گونی) برای پوشاندن سقف و استفاده از در و پنجره‌های فلزی دست دوم که از بناهای تخریبی شهر جمع آوری شده است در نمای ساختمان نمونه‌هایی از تغییر تدریجی چهره روستا به شمار می‌آید» (حجت، ۱۳۸۶: ۸۲). اگر این تحولات را که بدون هیچ‌گونه پایه و اساس علمی ناشی از خلاء فرهنگی و علمی بوده و در اکثر موارد چهره‌ای ناخوشایند به منظر روستا بخشیده است، کنار بگذاریم در مسکن سنتی روستایی «طرح، تکنولوژی، شیوه ساخت، ابعاد، تناسبات، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون، همه و همه از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که به صورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است» (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

۲. سوانح

تاریخ دیرین این آب و خاک شاهد وقوع وضعیت‌های اضطراری و بلایای طبیعی بسیاری بوده است. «حوادثی که در اثر رخداد و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و خسارات را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند. برطرف کردن آن که نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد، بحران نامیده می‌شود» (دراک، ۱۳۸۳: ۴). می‌توان از ابعاد گوناگون بحران را تقسیم‌بندی کرد. در تقسیم‌بندی که عموماً در این زمینه مطرح می‌گردد، بحران را به دو گونه طبیعی و تکنیکال تقسیم می‌کنند:

طبیعی: سیل، زلزله، طوفان

تکنیکال: تروریسم، سوانح هوایی، ریلی، جاده‌ای و ... (همان ۱۹۷، ۱۹۸)

«قرارگیری کشور ایران در کمر بند جهانی زلزله و وجود نقاط جمعیتی متراکم، ایران را به کشوری شدیداً آسیب‌پذیر در برابر زلزله تبدیل نموده که همه ساله شاهد وقوع فاجعه‌ای در گوشه‌ای از این سرزمین اتفاق می‌افتد. در این میان بعد از زلزله، سیل را می‌توان از وقایع بحران‌زا در این کشور دانست» (همان).

به علت عدم در نظر گرفتن آئین نامه‌های ساختمانی در مسکن روستایی کشورمان، آسیب‌پذیری این مسکن را دو چندان کرده است. دلیل این موضوع را می‌توان در عدم نظارت، عدم تلاش در جهت فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی نامناسب در جهت تشریح و تبیین این موضوع و از همه مهمتر مشکل اقتصادی دانست. «مرگ و میر، صدمات جسمانی و روحی، خطر شیوع بیماری‌های عفونی و مسری، قحطی، کاهش مواد غذایی، جابه‌جایی و انتقال سریع جمعیت اثراتی هستند که به طور معمول بعد از وقوع بلایای طبیعی در کوتاه‌مدت روی می‌دهند» (Gustin, 2004: 25).

سوانح، وقایعی غیرعادی، پیچیده و فراتر از ظرفیت منطقه در معرض خطر در پاسخگویی به آن برای حفظ زندگی‌ها، محافظت از اموال و پایداری اجتماعی، اکولوژی، اقتصادی و سیاسی هستند و تأثیرات آنها ممکن است تا سال‌ها برای نسل‌های آینده نیز باقی بماند. این تأثیرات ترکیبی از فرایندهای کالبدی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و روحی - روانی است (Dikmen, 2005: 67-85).

۲-۱- جنبه کالبدی

معمولاً سوانح، در قالب تعداد کشته‌شدگان و ارزش مالی خسارات مادی مورد ارزیابی قرار گرفته و گزارش می‌شوند. تغییرات ایجاد شده در محیط فیزیکی، مشکلات متعددی را در زندگی جوامع آسیب دیده به وجود می‌آورد. اکثر ساختمان‌ها دچار خسارت‌های متعددی می‌شوند که دیگر قابل استفاده نیستند و بدین ترتیب گروه زیادی از مردم بی‌خانمان شده و نیاز جامعه به تأمین سرپناه افزایش می‌یابد. در این شرایط «تأکید بر بازسازی کالبدی با هدف بازگشت به شرایط عادی امری ضروری و خواست قاطع مردم است، زیرا به آسانی قابل رویت است و نتایج حاصله نیز قابل اندازه‌گیری است» (آیسان، دیویس، ۱۳۸۵: ۱۴).

۲-۲- جنبه اجتماعی - فرهنگی

سوانح باعث ایجاد اختلال در زندگی اجتماعی- فرهنگی جوامع می‌شوند. اختلالات به وجود آمده در این زمینه عموماً غافلگیر کننده و مهمتر از آن می‌تواند دائمی باشد. از جمله معضلاتی که در این زمینه در زندگی افراد رخ می‌دهد می‌توان به: تغییر نقش افراد خانواده (به علت از دست دادن برخی از اعضا خانواده و ...)، مشکلات مربوط به شغل و کسب و کار، کاهش پشتیبانی‌ها و مشارکت اجتماعی، جدا شدن خانواده‌ها از هم (به واسطه مهاجرت و جابه‌جایی)، غم از دست دادن نزدیکترین و عزیزترین اعضای خانواده و ... اشاره کرد. «بنابراین، در برنامه‌های ساماندهی و بازسازی نباید صرفاً به جایگزینی کاستی‌هایی که محسوس است بپردازیم، بلکه باید به طراحی چیزهایی که فوراً قابل رویت نیستند، نیز پرداخته شود» (همان: ۱۰).

۲-۳- جنبه اقتصادی

یک سانحه تأثیری مخرب بر زندگی اقتصادی جامعه دارد. به دلیل تخریب ساختمان‌های مسکونی و اداری، عمده مردم بی‌خانمان و بیکار شده و نیازهای جامعه به تأمین سرپناه، غذا، وسایل گرمایش، تجهیزات بهداشتی و بازسازی

سکونتگاه به شدت افزایش می‌یابد. در برخی موارد، ناتوانی‌های اقتصادی، موانعی برای پرداختن به تمام این نیازها به وجود آورده و عواقب سانحه، سخت‌تر و شدیدتر می‌شود.

۲-۴- جنبه روحی - روانی

اثرات روانی ناشی از وقوع سوانح، معمولاً به صورت واکنش‌های هیجانی مانند افسردگی، اضطراب، نگرانی، ترس، احساس گناه، حزن، اندوه، خشم و غضب نمود می‌یابد «در بررسی‌های انجام شده در مناطق آسیب دیده، عدم تمرکز، اختلالات در خواب، افزایش تکرار کابوس‌ها، اضطراب، نگرانی دائمی و پاره‌ای اختلالات گوارشی در ساکنان گزارش شده است. نتایج نشانگر آن است که متأسفانه اثرات روانی سوانح، دیر پا و ماندنی هستند» (Dikmen, 2005: 102). به این ترتیب، در بازسازی مناطق آسیب دیده توجه به شرایط روحی و روانی قربانیان، ضروری است. در بسیاری موارد، مشکلات ناشی از کمبود امکانات در سکونتگاه‌های موقت و دائمی جدید نیز تأثیرات منفی بر اثرات روانی سوانح خواهد داشت. به این ترتیب می‌توان گفت، کلیه جنبه‌های ناشی از وقوع سوانح، کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و روحی - روانی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و در ساختاری به هم پیوسته قرار دارند. متأسفانه، در بیشتر موارد، «بازتوانی اجتماعی، روانی، فرهنگی و حتی اقتصادی توسط دولت یا سازمان‌های خیریه کمتر محسوس است و نهایتاً به عهده جامعه آسیب دیده واگذار می‌شود» (آیسان، دیویس، ۱۳۸۵: ۱۴).

تجزیه، تحلیل و نقد عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری سکونتگاه‌های روستایی و جنبه‌های مختلف وقوع سانحه در زندگی مناطق آسیب دیده، به این منظور انجام شد تا بر پایه آنها، رهنمودهایی برای طراحی مسکن پس از سانحه در مناطق روستایی به دست آید.

۳. رهنمودهای طراحی برای مسکن پس از بحران در مناطق روستایی

در فرایند بازسازی، بازتوانی شرایط کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش از سانحه در جامعه با استاندارد و کیفیتی به مراتب بالاتر و بهتر از گذشته است. در اثر وقوع سانحه، بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه نمایان شده و به این ترتیب بازسازی فرصتی برای بهینه‌سازی آنها به منظور کاهش خطر و خسارات احتمالی آینده در منطقه مورد نظر، به شمار می‌رود.

متأسفانه «تحقیق در تجربیات گذشته کشور، از جمله بازسازی روستاهای دشت قزوین پس از زلزله سال ۱۳۴۲ و یا بازسازی سکونتگاه‌های ناحیه طبرس پس از زلزله سال ۱۳۵۷ و یا زلزله گلباف کرمان و از همه مهمتر، بازسازی‌های مناطق جنگ‌زده استان خوزستان از سال ۱۳۶۱ به بعد نشان داد که طراحی و ساخت در روستاها کار چندان ساده و پیش‌پا افتاده‌ای نیست». «در نتیجه، طراح و برنامه‌ریز می‌باید با معماری سنتی منطقه و عوامل مؤثر بر آن به خوبی آشنا و اولویتهای افراد محلی و بازماندگان آگاه باشند. همچنین «یک برنامه جامع ساماندهی و بازسازی باید به نیازهای کالبدی و روحی روانی جوامع توأمان پاسخ دهد، در غیر این صورت، نتایج منفی به بار خواهد آمد» (آیسان، دیویس، ۱۳۸۵: ۱۴).

عدم موفقیت ساخت و سازها در مناطق روستایی آسیب دیده، هم در برنامه‌ریزی و هم در نحوه ساخت آنها، نهفته است. در این زمینه، تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای، در مدت زمانی بسیار کوتاه، مانع از انجام بررسی‌های جامع و کامل برای طراحی متناسب با شیوه زندگی استفاده‌کنندگان می‌شود.

به منظور برآورده ساختن انتظارات و نیازهای افراد ذینفع و طراحی واحد مسکونی مناسب برای سبک زندگی استفاده‌کنندگان انجام مراحل زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- جمع‌آوری اطلاعات پایه و پشتیبان

۲- تعیین ویژگی‌های اصلی معماری و مشخصات اجرایی ساختمان‌ها

۳- طراحی یک رویکرد سیستماتیک

۴- تعیین نیازمندی‌ها

۵- طراحی واحد مسکونی

مرحله اول: مطالعه و بررسی کامل باید در منطقه در نظر گرفته شود.

۱-۱- **شناخت گونه‌های مختلف مسکن:** اطلاعاتی شامل سازماندهی فضایی، مصالح ساختمانی، روش‌های ساخت و ساز به وسیله مشاهده و برداشت ساختمان‌های سنتی در منطقه جمع‌آوری شود.

۱-۲- **مشخصات استفاده کنندگان:** اطلاعاتی شامل فعالیت‌های روزمره افراد مورد نظر، ساختار خانوادگی، منبع امرار معاش آنها که از طریق مصاحبه با مردم محلی قابل دستیابی است.

۱-۳- **شرایط آب و هوایی منطقه:** اطلاعات در این زمینه به کمک منابع مرتبط و مشاهدات در منطقه حاصل می‌شود.

مرحله دوم: تبیین ویژگی‌های اصلی معماری و مشخصات اجرایی ساختمان‌ها: مشخصات عملکردی و اصلی معماری منطقه به اطلاعات جمع‌آوری شده در زمینه گونه‌شناسی مسکن و مشخصات استفاده‌کنندگان وابسته است. علاوه بر آن جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مشخصات اجرایی ساختمان‌ها در منطقه، به طراح در تصمیم‌گیری‌ها در مورد مصالح ساخت، سیستم سازه‌ای و سازماندهی فضایی واحد مسکونی کمک شایانی خواهد کرد.

مرحله سوم: طراحی یک رویکرد سیستماتیک: در معرض خطر بودن یک منطقه در برابر سوانح لزوماً به این معنی نیست که زلزله‌ای رخ خواهد داد و مردم بی‌خانمان خواهند شد. از سوی دیگر، طراحی واحدهای مسکونی پیش از وقوع سانحه، به دلیل جزئیات زیاد اطلاعات ناشناخته مربوط به تعداد افراد ذینفع و شرایط لازم و نیازمندی‌ها، امکان‌پذیر نیست. ولی به کارگیری یک روش مدون شامل مدول‌هایی مجزا برای طراحی فضاها متناسب با تعداد استفاده‌کنندگان، قبل از سانحه، برای کوتاه کردن زمان مورد نیاز برای طراحی پس از وقوع سانحه، روشی مؤثر خواهد بود. این مدول‌ها را می‌توان متناسب با نیازمندی‌های ساختار مختلف خانواده‌ها، با یکدیگر ترکیب کرد. در این مرحله نکته حائز اهمیت، توجه به تفاوت‌های موجود در نیازهای کمی و کیفی در مناطق مختلف کشور است و باید از هرگونه برنامه و اقدام یکسان در مناطق مختلف روستایی به جدیت، پرهیز کرد.

مرحله چهارم: تعیین نیازمندی‌ها: پس از وقوع سانحه، اطلاعات درباره خسارات مالی و زندگی‌های از دست رفته در منطقه جمع‌آوری می‌شود. زمانی که این اطلاعات مستند و تحقیق و تفحص از آسیب دیدگان سانحه در منطقه انجام می‌شود، جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای طراحی واحدهای مسکونی مطابق با نیازهای مالکان و استفاده‌کنندگان نیز ممکن است.

مرحله پنجم: طراحی واحد مسکونی: با تکمیل سه مرحله اول، می‌توان واحدهای مسکونی برای یک منطقه آسیب دیده را در زمانی کوتاه و متناسب با نیازها و شیوه زندگی مردم آن طراحی نمود. چنانچه سه مرحله اول، پیش از وقوع سانحه کامل شوند، می‌توان در شرایط بحرانی پس از وقوع سانحه، با سرعت مناسبی به طراحی واحدها پرداخت. در مرحله طراحی، نکات زیر حائز اهمیت هستند:

- مقاومت و پایداری در برابر سوانح:^{۱۱} همانگونه پیش از این ذکر شد، هدف از بازسازی بهبود شرایط زیست جامعه مصیبت‌زده با کیفیت و استاندارد به مراتب بالاتر از شرایط گذشته است. در نتیجه واحدهای ساخته شده پس از سانحه باید کاهش خطر و خسارت در سوانح احتمالی آینده را در برداشته باشند.

- تولید سریع: شرایط بحرانی پس از وقوع سانحه و تعدد افراد بی‌خانمان، سرعت ساخت و ساز را می‌طلبد. در این راه، روش ساخت، مصالح ساختمانی و سازمان فضایی خانه‌ها در تعیین سرعت ساخت و ساز مؤثر خواهند بود.

- قیمت ارزان: ناتوانی و مشکلات اقتصادی در یک جامعه ممکن است به سبب وقوع سوانح افزایش یابد. بنابراین، هزینه ساخت خانه پس از یک سانحه به یک عامل بسیار مهمی تبدیل می‌شود.

- انعطاف‌پذیری: طرح‌های انعطاف‌پذیر می‌توانند با نیازهای استفاده‌کنندگان که در طول زمان قابل تغییر است، تطبیق یابند. به طور مثال، یک خانواده با ۳ فرزند ممکن است در طی ۱۰ سال به یک خانواده گسترده تبدیل شوند. طراحی واحد مسکونی به نحوی که قابلیت تطبیق با تغییر نیازهای این خانواده در طول زمان را داشته باشد، رضایت استفاده‌کننده را در طولانی مدت در بردارد.

- راحت بودن شیوه ساخت: راحت بودن شیوه ساخت خانه موجب مشارکت مالک در فرایند ساخت می شود. مشارکت مالک، رضایت وی، بهبود روحیه و کاهش هزینه ساخت و ساز را موجب می شود. می توان گفت، «مشارکت مردم در برنامه ریزی بازسازی ضروری است. این مسأله غالباً توسط مقامات، فرایندی زمان بر تلقی می گردد. اما چنانچه مشارکت واقعی به وقوع بپیوندد، به رغم زمان زیادی که جهت تعیین ظرفیت سازمان های گوناگون صرف می شود، نتایج آنها به طور گسترده ای قابل قبول و موفق خواهد بود. بازسازی سریع، بدون استفاده از نیروهای مشارکتی مردم، اگرچه ممکن است در وهله نخست موفق به نظر آید، ولی می تواند باعث بروز تأخیراتی در فرایند دوباره سازی بناها به دلیل وجود نیروهای مخالف و بی تفاوت گردد» (آیسان، دیویس، ۱۳۸۵: ۵۴).

جمع بندی

معماری سنتی و بومی روستایی هر منطقه، حاصل همکاری افراد در طی نسل های مختلف، در برآورده ساختن نیازهای مشترک مادی و معنوی و مطابق با سنن و قراردادهای اجتماعی و فرهنگی رایج در میان آنان است و به بهترین صورت نیازهای محلی آنان را پاسخگوست.

متأسفانه بررسی پروژه های بازسازی روستاهای آسیب دیده از وقوع سوانحی چون زلزله، جنگ و ... در کشورمان، گویای آن است که واحدهای طراحی شده، مطابق با نیازها و شیوه زندگی ساکنان نبوده است. به طوری که اکثراً آنها را مطابق با خواسته هایشان تغییر داده و فضاهایی به آن افزوده اند. به این ترتیب بازنگری در شیوه طراحی واحدهای مسکونی پس از سانحه در مناطق در معرض خطر ضروری به نظر می رسد. به نحوی که اطلاعات پایه در مورد الگوی معماری، زندگی روزمره، فعالیت های اقتصادی و کلیه عناصر و عوامل مادی و معنوی و چگونگی تجسم کالبدی آنها در سکونتگاه روستایی، باید مبنای طراحی واحدهای مسکونی قرار گیرد.

منابع

آیسان؛ یاسمین؛ یان دیویس (۱۳۸۵) "معماری و برنامه ریزی بازسازی" علیرضا فلاحی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

پی نوشت ها:

- 1.Post – disaster
- 2.Reconstruction.

بازسازی عبارت است از جایگزینی ساختارهای تخریب شده، مرمت کامل خدمات و زیرساخت های محلی و احیای اقتصاد (شامل کشاورزی) و غیره که باید در برنامه های بلند مدت توسعه گنجانده شود و در آن ابعاد کاهش خطرات با موارد تخفیف خطر ادغام شوند. با بازسازی می توان بناهای تخریب شده را عیناً در محل و شکل قبلی جایگزین و دوباره سازی نمود. این امر می تواند با جایگزین های موقتی به عنوان بخشی از مقابله اضطراری یا در دوران ساماندهی انجام بپذیرد.

- 3.Disaster
- 4.Recovery

۵- در مناطق مختلف ایران برای استفاده حداکثر از انرژی های طبیعی، با توجه به حداقل و یا حداکثر تأثیر عوامل ذکر شده، عناصر و اجزاء معماری را انتخاب می کنند از جمله: انتخاب جهت مناسب جغرافیایی، سطوح باز شو، آرایش فضایی فضاهای باز، نیمه باز و بسته، انتخاب مصالح مناسب، رنگ مناسب، تراکم فضاها و ...

- 6.Climatic stresses
- 7.Privacy
- 8.Abraham Maslow

۹- غالباً روستائیان ایران از منابع اقتصادی زیر بهره می گیرند: ۱- کشاورزی ۲- دامداری ۳- باغداری ۴- شکار ۵- صنایع دستی ۶- مهاجرت های فصلی برای انجام کارمزدی ۷- داد و ستد و پبله وری ۸- پاره ای مشاغل درون روستایی مثل حمامی، سلمانی، شب پائی، چوپانی.
 ۱۰- نگاه کنید به:

«بازسازی مناطق زلزله زده، جلد اول، جنوب خراسان، تابباد» اردیبهشت ۱۳۶۲، مرکز تحقیقات مسکن و ساختمان.
 «بازسازی مناطق زلزله زده، جلد دوم، جنوب خراسان، گناباد» ۱۳۶۵، مرکز تحقیقات مسکن و ساختمان.

- 11.Disaster resistance